نجات

نجات زن جوان از کانال فاضلاب

مسئول ایمنی پروژه فاضلاب شهری کرمان که هنگام بازدید از پروژه ای به عمق ۸متری کانال فاضلاب سقوط کرده بود نجات یافت. این زن در تاریکی هوا و هنگام بازدید از پروژه دچار حادثه شد و از آنجا که تنها بود کسی متوجه ماجرا نشد تا اینکه وی با آتش‌نشانی تماس گرفت و دقایقی بعد از سوی امدادگران نجات یافت.

انتظامی

بازداشت عامل اغفال زنان میانسال

مردی که با فریب زنان میانسال دست به سرقت از خانه‌های آنها می‌زد دستگیر شد. متهم از طریق فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی زنان میانسال مجرد را شناسایی می‌کرد و پس از فریب آنها، کلید خانه‌شان را به‌دست آورده و در فرصتی مناسب دست به سرقت اموال‌شان می‌زد.

آن سوی مرز

آتش زدن خانه بعد از قتل‌عام خونین

مـرد جنایتـکار بعد از کشـتن اعضـای خانـواده‌اش و مجروح کردن ۲ مامورپلیس، هدف گلوله پلیس قرار گرفت و کشته شد. به گزارش همشهری به نقل از سی‌ان‌ان، ساعت ۵:۱۰صبح یکشـنبه به وقت محلی، پلیـس نیویورک در جریان یک قتل عام خانوادگی قرار گرفت. دختر نوجوانی که از ساکنان خانه‌ای در خیابان ۲۲بود در تماس با پلیس مدعی شده بود که پسرعمویش در حال کشتن خانواده‌اش است و مأموران راهی محل حادثه شدند.

پلیس در نزدیکی محـل جنایت مرد آشـفته‌ای که بعدا مشـخص شـد کورتنی گوردون ۳۹سـاله نام داشته را با یک چمدان دید. مأموران به سـراغ او رفتند اما وی با یک چاقوی بزرگ به مأموران حمله و ۲ پلیس را از ناحیه گردن و قفسه سینه مجروح کرد. یکی از مأموران مجروح که روی زمین افتاده بود، توانسـت با عکس‌العملی سریع سلاحش را بیرون کشیده به‌سوی ضارب شـلیک کند و او را از پای درآورد. با وقوع این حادثـه هولناک، آمبولانس و نیروهای کمکی پلیس خـود را به صحنه رسـاندند. مرد ضارب و ۲ افسر مجروح بلافاصله به بیمارستان منتقل شدند اما ضارب ۳۹ساله به نام کورتنی جانش را از دست داد.

در ادامه مشخص شد که ساعتی قبل از این حادثه، کورتنی بعد از قتل عام اعضای خانواده‌اش، خانه را به آتش کشیده است. پلیس و آتش‌نشانی که راهی محل حادثه شده بودند همزمان با خاموش کردن آتش، جسد غرق در خون کودک خردسـالی را در بیرون از این خانه پیدا کردنـد که بر اثر جراحات جان خود را از دست داده بود. بعد از خاموش کردن آتش نیز ۳جسـد دیگر در خانه کشف شـد. در تحقیقات پلیسی و پزشکی قانونی مشخص شد که یک پسر ۱۲ساله، یک زن ۴۴ساله، یک مرد ۳۰ساله و یک پسر ۱۱ساله در این حادثه هولناک با ضربات چاقو به قتل رسیده‌اند و قاتل پس از این جنایت خانه را به آتش کشیده است. در ادامه تحقیقات مشخص شـد که قربانیان اعضای خانواده کورتنی(قاتل) بوده‌اند. این مرد سـاکن خانه‌ای در برونکس بوده و گاهی برای دیدن خانواده‌اش به آنجا رفت‌وآمد داشته و روز حادثه پس از جروبحث با اعضای خانواده‌اش آنها را قتل‌عام کرده و خانه را به آتش کشیده است. پس از آن نیز قصد بازگشت به محل زندگی‌اش را داشته که با دیدن مأموران ۲نفر از آنها را مجروح کرده و در نهایت به ضرب گلوله یکی از مأموران مجروح کشته شده است. بررسـی‌ها نشان می‌دهد که این مرد قبلا هم به‌دلیل خشـونت خانگی و خفه کردن یکی از بستگانش، دستگیر شده بود. تحقیقات درباره زوایای پنهان این پرونده ادامه دارد.

جنایی

جنایت به‌خاطر یک جارو

درگیری چند کارگر به‌خاطر یک جارو با قتل یکی از آنها پایان یافت. به‌گزارش همشـهری، ۳۰ تیرماه امسال گزارش یک درگیری خونین در جنوب تهران به پلیس اعلام شد و مأموران برای بررسـی موضوع راهی محل درگیری شدند. بررسی‌ها حکایت از این داشت که چند جوان در خیابان به جان یکدیگر افتاده بودند که یکی از آنها با ضربات متعدد چاقو زخمی شده بود. وی که جوانی ۲۳سـاله بود پس از انتقال به بیمارستان به‌دلیل شـدت جراحات جانش را ازدست داد. در این شرایط گزارش ایـن جنایت به قاضی محمد مهـدی براعه، بازپرس جنایی تهران اعلام شد و او دستور تحقیقات در این‌باره را صادر کرد. بررسی‌ها حکایت از این داشـت که مقتول و دوستانش کارگر ساختمانی هسـتند. آنها به‌خاطر استفاده از یک جارو باهم درگیر شـده بودند. به‌دنبال این حادثه، بازپرس جنایی تهران دستور بازداشـت عامل جنایت را که فراری شده بود، صادر کرد اما او و همدستانش پس از جنایت گریخته بودند تا اینکه ردپای قاتل فراری بعد از گذشت ۵ماه در نقطه صفر مرزی به‌دست آمد. کارآگاهان ۲روز قبل موفق شدند عامل جنایت را پیش از خروج از کشور دستگیر کنند و به تهران انتقال دهند. وی در بازجویی‌ها به طرز عجیبی قتل را انکار کرد و گفت: من در درگیری حضور داشـتم اما مقتول را با چاقو نزدم. او بدون اجازه، جاروی مرا برداشته بود و درگیری میان ما رخ داد اما او دشمن زیاد داشت و احتمالا فرد دیگری، جانش را گرفته است. وی درباره نقشه فرارش از کشور که ناکام مانده بود، گفت: من ترسـیدم که پلیس اتهام قتل را گردن من بیندازد، به همین دلیل فرار کردم. به دسـتور بازپرس جنایی، متهم در اختیار مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت.

روایت ۸سال درگیری طایفه‌ای در خوزستان از زبان قاتل بخشیده شده که با پابند الکترونیک آزاد شده است

۲۰جان پای متلک‌پرانی

گفت‌وگو
محمد جعفری
روزنامه‌نگار

همه‌چیز از روزی شروع شد که زنی روستایی که شوهرش را از دست داده بود از حرف‌های مردی دلخور شد و سفره دلش را برای پسرش باز کرد. پسـر این زن بعد از شنیدن حرف‌های مادرش سراغ مردی که باعث ناراحتی مادرش شده بود رفت و با او درگیر شد و این آغاز درگیری خونین بین ۲ طایفه در خوزستان شد؛ درگیری‌ای که در جریان آن ۲۰نفر جان خود را از دست دادند و حالا با پادرمیانی مسئولان قضایی و بزرگان ۲ طایفه بین طرفین صلحی شکننده برقرارشده است. یکی از افرادی که در این مدت به اتهام قتل در زندان بود حالا با پابند الکترونیک آزاد شده است. او در گفت‌وگو با همشهری از چگونگی وقوع درگیری‌های خونین بین ۲ طایفه و پایان این نزاع صحبت کرد.

خودتان را معرفی کنید و بگویید درگیری‌های بین این دو طایفه چطور آغاز شد؟

امان‌الله باقرنژاد هستم. من از طایفه محمدی هستم و طایفه‌ای که با آنها از مدت‌ها قبل درگیری داریم طایفه محمدموسایی است. همگی لر و ساکن روستای پتک جلالی در باغملک هستیم. هر دو طایفه تا چند سـال قبل به خوبی و خوشـی در کنار یکدیگر زندگـی می کردیم. آنها نزدیک به ۷۰خانواده و ما حدود ۲۰۰خانواده بودیم. درگیری از یک بگومگوی ساده شروع شد اما در ادامه کار به جایی کشیده شد که حدود ۲۰نفر جان‌شان را از دست دادند.

دربـاره شـروع ایـن درگیری‌ها بیشتر توضیح دهید.

یکی از افراد طایفه مقابل که سـن زیادی هم داشـت به یک خانمی از طایفـه ما که شـوهرش فوت شده بود توهین کرده بود و این درگیری به این شـکل از سال ۹۴شروع شد. پسر این زن روز ۸ خرداد سال ۹۴ مقابل خانه فردی که توهین کرده بود رفت و اعتراض کرد که چرا به مادر من توهین کرده‌ای و از آن روز درگیری‌ها شروع شد. اول پسر جوان با دست به‌صورت مرد زده بود و در ادامه پسـران مرد از او هواداری کرده بودند و با هم درگیر شدند. بزرگان منطقه در این دعوا پادرمیانی کردند و از هر طرف ۵نفر که در دعوا بودند دستگیر و به کلانتری منتقل شدند و در آنجا اما بزرگان تلاش کردند که طرفین درگیری با یکدیگر صلح کنند اما متأسـفانه چند جوان که اصلا خبری از ماجرا نداشتند دخالت کردند و درگیری دوباره شروع شـد و همان روز، درگیری طوری بالا گرفت که حدود ۵۰۰نفر با هم درگیر شده بودند و حدود ۱۰۰نفر با سنگ و چوب و چماق مجروح شدند. دست و پا، سر، فک و... افرادی دچار شکستگی شد. این درگیری دسـته‌جمعی طوری بود که دوطرف از همه طایفه و فامیل‌شان کمک خواستند و از اهواز، کهگیلویه و بویراحمد و... آمدند و درگیری بزرگ‌تر شد. در این درگیری حتی تیراندازی هم اتفاق افتاد که برادر من هم به‌خاطر اصابت گلوله مجروح شد. آن روز فقط آنها تیراندازی می کردند و از طرف ما کسی تیراندازی نکرد. برادرم را به رامهرمز و بعد به اهواز منتقل کردیم.

روزی کـه درگیری اتفاق افتاد چـرا نیروهای انتظامی دخالتی نکردند؟

آن روز در کلانتری روستا نیروی زیادی نبود. شاید کلا ۶-۵ نیرو آنجا بود که کاری از دست‌شان سـاخته نبود. اما بعد که نیروی بیشتری آمد من جلو رفتم و داد می‌زدم و آنها پشت سرم آمدند و نزدیک غروب بود که ۲ طایفه از یکدیگر جدا شدند و هر کسی سر خانه و زندگی‌اش رفت. بعد هم بزرگان دوطرف و امام جمعه رامهرمز آمدند و میانجیگری کردند تا درگیری تمام شود. برادر من نزدیک ۲۰روز در بیمارستان بستری بود و وضعیت وخیمی داشت. به ما پیشنهاد کردند که دیه بگیریم. بعد گفتند به شما چک سـفید امضا می‌دهیم. گفتند هر زمانـی دیه قطعی آمد دیه‌تان را بگیرید و رضایت بدهید.

با وجـود پادرمیانـی بزرگان چطور شـد که درگیری‌ها باز هم ادامه پیدا کرد؟

یک هفته بعد بود که آمدند گفتنـد باید افرادی که در درگیری حضور داشته‌اند خودشان را تسـلیم کنند. این در حالی بود که ماجرا تمام‌شـده بود. من رفتم صحبت کـردم که اگر این افراد زندانی شـوند دوباره درگیری‌ها شروع می‌شود که کسـی گوش نکرد. در این ماجرا ۳نفر از ما را دستگیر کردند و از طرف مقابل کسی را دستگیر نکردند. این در حالی بود کـه در درگیری برادر من تیر خورده بود اما از آن طرف هیچ کسـی را دستگیر نکردند.

در ادامه چه اتفاقی افتاد؟

روز ۲۳شـهریور ۹۴بود که من در باغملک بودم که شنیدم به‌خاطر دستگیری این ۳نفر همه ریخته‌اند توی خیابان و درگیری شده‌اند. بچه‌های ما رفته بودند سمت خانه‌های آنها و درگیر شـده بودنـد که در این درگیری ۹نفر در روستای پتک کشته شدند که یک نفر از ما و ۸نفر از آنها بود. در این درگیـری اغلب افراد مسلح بودند و آنهایی که وسیله‌ای نداشتند هم با سنگ می‌زدند. از طرفی همان روز ۱۳نفر از طایفه ما هم هدف گلوله قرار گرفتند اما مجروح شـدند و از ما فقط یک نفر کشته شد ولی متأسفانه همه افرادی که از آنها تیر خورده بودند کشته شدند. اغلب افرادی که در این درگیری حضور داشتند جوان و نادان بودند که این اتفاق افتاد.

چرا یک مسئله کوچک و پیش‌پاافتاده بـه چنین درگیری ادامه‌داری تبدیل شد؟

رسم بدی که وجود دارد این است که وقتی درگیری اتفـاق می‌افتد همه می‌روند و دعوا را نـگاه می کنند و به همین دلیل تعداد تلفات زیاد می‌شود. در این درگیری‌ها حدود ۵۰-۴۰ نفر از ما دستگیر شدند و تعداد زیادی هم از آن طرف دستگیر شدند.

زمانی که ایـن درگیری اتفاق افتاد شما کجا بودید؟

وقتی درگیری اتفاق افتاد من در روسـتا نبودم امـا وقتی برگشـتم فهمیدم که پسـرم تیر خورده است. او را برداشـتم و بردم بیمارسـتان رامهرمز. آن زمان پسرم در کلاس اول دبیرستان درس می‌خواند. چند نفر که در آنجا بودند گفتند چرا آمده‌ای؟ گفتند طایفه مقابل ۸نفر کشته شده است و شاید اگر تو را اینجا ببینند تو را به تلافی آنها بکشند. من هم از بیمارستان بیرون آمدم. چند روز این طرف و آن طرف بودم که پیغام دادند باید بیایی و خودت را معرفی کنی و اسمت در بین افرادی است که مرتکب قتل شده‌اند. من هم چون می‌دانستم مشکلی ندارم رفتم و خودم را معرفی کردم.

با دستگیری شما و افراد دیگری که در درگیری‌ها دست داشتند آیا آرامش به روستا برگشت؟

به‌جز من افراد زیادی از طایفه خودمان و طایفه مقابل در زندان بودند. درگیری همه‌چیز را به‌هم زده بـود. اعضای طایفه ما که حدود ۲۰۰خانواده بودند خانه‌های‌شـان را ترک و به‌طور کامل روسـتا را تخلیه کردند. فقط طایفه مقابل در روستا بودند. از ما ۱۴نفر در زندان بودند که ۸نفرمان متهم به قتل بودیم اما از طایفه مقابل همه را آزاد کردند اما درگیری‌ها باز هم ادامه پیدا کرد.

علت ادامه درگیری‌ها چه بود و در دور جدید چند نفر جان‌شان را از دست دادند؟

در سال ۹۶، ۵نفر از ما کشته شدند. بعد از ادامه درگیری‌ها آنها هم مجبور شدند خانه‌های‌شان در روستا را تخلیه کرده و از آنجا بروند. به این ترتیب بود که روسـتا به‌طور کامل تخلیه شـد و درگیری‌ها باعث شد که هیچ‌کس در روستا زندگی نکند. در ادامه درگیری‌ها هرازگاهی ادامه داشـت و چند نفر دیگر هم کشته شدند تا اینکه گفتند باید این درگیری‌ها تمام شود و دیه تعیین کردند و توافقنامه‌هایی امضا کردیم و ۶ماه زمان برد تا اینکه ما ۴میلیارد و ۳۰۰میلیون تومان پرداخت کردیم و آنها یک میلیارد و ۳۰۰میلیون تومان به‌عنوان دیه پرداخت کردند. اما درباره ۲نفر دیگر گفتند باید حکم قصاص اجرا شـود. ما ۶نفر هم در زندان ماندیم. گفتند باید اجرا کنیم. هرچه بـزرگان آمدند، از بزرگان طایفه، از شـیوخ عرب و... آمدند آنها راضی نشدند و گفتند باید حکم قصاص را اجرا کنیم. در منطقه بهمئی تا قبل از این کسی حکم قصاص اجرا نکرده بود و گفتیم شـما هم اجازه ندهید این حکم اجرا شود اما گوش‌شان بدهکار نبود و درنهایت حکم قصاص ۲نفر از ما را سال ۱۴۰۰ اجرا کردند و ما ۴نفر در زندان ماندیم.

بعد از اجرای حکم قصاص آیا آرامش به روستا برگشت؟

گفتند دیگر اجرایی در کار نیست و طایفه‌ها با هم توافق کنند و قرار شد برای هر کدام از کشته‌شـدگان یک میلیارد و نیم و در مجموع ۶میلیارد پرداخت شود. بعد از اینکه صلح و سازش انجام شد من را حدود یک‌سال و نیم در زندان نگه داشتند و قانع نمی‌شدند که من را آزاد کنند تا اینکه سرانجام من را بعد از حبس با پابند الکترونیک آزاد کردند.

چطور با پابند زندگی می کنی و باید چه شرایطی را رعایت کنی؟

بعد از آزادی با پابند گفتند که بایـد در خانه بمانی و نمی توانی ۵۰۰متر از خانه دورتر بروی اما باید طایفه‌ها آشتی کنند. بعد هم ما را آزاد کردند و طرفین با هم آشـتی کردند. امیدوارم که این صلح و سازش و آشـتی پایدار بماند و جوان‌ترهای دوطرف اسـیر احساسـات نشـوند و درگیری پایان بگیرد. ما در اصل حبس خانگی هسـتیم و نمی‌توانیم خارج شـویم. مدتی قبل برای انجام کاری قصد سفر داشتم که ۴روز مرخصی گرفتم والا همیشه باید در خانه باشم. در این درگیری زندگی‌ام از بین رفت و نمی‌توانم حتی در جایی کار کنم.

چطور حضور تو در خانه و محدوده تعیین شده کنترل می‌شود؟

آنها به وسیله سیسـتمی که دارند من را کنترل می کنند و اگر از محدوده تعیین شده خارج شـوم تماس می‌گیرند و هشدار می‌دهند. از طرفی چون پابند الکترونیک است باید هر روز یک مرتبه صبح و یک مرتبه عصر با شارژر مخصوصی که دارد باید آن را شارژ کنم. یک مرتبه نتوانستم این کار را انجام دهم که تماس گرفتند و گفتند هرچه زودتر پابند را روشن کنم.

آزادی در محدوده

امان‌الله باقرنژاد، فردی است که بعد از درگیری‌هـای طایفه‌ای مرگبار در خوزسـتان به اتهام قتل بازداشت شد و ۸ سال را پشت میله‌های زندان سپری کرد؛ اما چندی پیش توانست با جلب رضایت اولیـای دم از زندان آزاد شود و قرار است باقیمانده دوران محکومیت‌اش را با پابند الکترونیک بگذراند. استفاده از پابند الکترونیک در دوران تحول قوه قضائیه رشد زیادی داشته و در صورتی که این سیاست ادامه پیدا کند بسـیاری از زندانیان می توانند دوران محکومیت‌شـان را در کنار خانواده‌های‌شان بگذرانند. اما پابند الکترونیک چیست و چطور کار می کند و نظارت بر آن به چه صورت است؟

شرایط استفاده از پابند الکترونیک

پابند الکترونیـک در واقع نوعی «جی‌پی‌اس» اسـت و درصورتی که فرد زندانی آن را تغییر دهد یا دستکاری کند، فورا مشخص و به او هشدار داده می‌شود و به‌وسیله مانیتورینگ کنترل می‌شود.

اولین پابند الکترونیک در ایران

طرح استفاده از پابند الکترونیک نخسـتین‌بار در نیمـه‌دوم سـال ۱۳۸۸با هـدف کنترل زندانیان و کاهش آسـیب به خانواده زندانیان مطرح شد.

نحوه کار پابند به چه شکل است ؟

پابند به‌صورت الکترونیک کار می‌کند و با اسـتفاده از شارژر مخصوصی که دارد باید توسط محکوم شارژ شود.

چه تعداد محکوم با پابند بیرون از زندان هستند؟

به‌گفته محمدی، رئیس سازمان زندان‌هـا در حال حاضر حدود ۹هزار زندانی تحت پوشش پابند الکترونیک قرار دارند.

چه محکومانی می توانند از پابند استفاده کنند؟

محکومـان تعزیـری از درجه ۵تا درجه ۸ که رضایت شـاکی و همکاری مؤثر در کشف جرم داشته باشند، پیش‌بینی اصلاح آنها وجود داشـته باشد، ضرر و زیان وارده را جبران کرده باشند، فاقد سـابقه کیفری باشـند، پس از گذرانـدن یک چهارم از مجازات حبس می تواند از پابند الکترونیک استفاده کنند.

هزینه استفاده از پابند

تعرفه اسـتفاده از تجهیزات مراقبـت الکترونیک بابت هر روز استفاده مبلغ ۲۰هزار تومان و برای افرادی کـه از پرداخت تعرفه عاجز هسـتند ۱۰هزار تومان است.

زندانـی با پابند بایـد در چه محدوده‌ای حضور داشته باشد؟

فردی که متقاضی اسـتفاده از پابنـد الکترونیک اسـت، می تواند در فرم‌های مخصوصی که به او داده می‌شود، محدوده فعالیتش را تعیین کند تا برای گذران زندگـی و امرارمعاش خود دچار مشکل نشود و بعد از نصب پابند بایـد در همان محدوده سکونت داشته باشد.

دادسرا

سارق گردنبندقاپ در خواب، خودش را لو داد

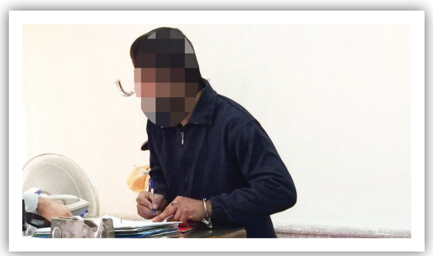

سارق حرفه‌ای عادت عجیبی داشت؛ او در خواب حرف می‌زد و همین باعث لورفتنش شد. به گزارش همشهری، از چندی قبل گزارش سرقت‌های سریالی به پلیس پایتخت اعلام شد؛ سارق تک‌رو با پرسـه‌زدن در خیابان‌های پایتخت به زنان و دختران حمله کرده و پس از قاپیدن گردنبند آنها فرار می‌کرد. این در حالی بود که تعدادی از مالباخته‌ها هنگام سرقت، زمین خورده و آسـیب دیده بودند و حتی یکی از آنها به‌دلیل ضربه‌ای که به سرش وارد شده بود برای مدتی به کما رفته بود.

گروهی از کارآگاهـان پلیس آگاهی تهـران، تحقیقات خود را برای دسـتگیری سـارق خشـن کـه به‌صورت سـریالی گردنبنـد قاپی می کـرد آغـاز کردنـد. در نخسـتین گام تصاویردوربین‌های مداربسـته مورد بازبینی قـرار گرفت اما سرنخی به دست نیامد تا اینکه مدتی قبل اتفاق عجیبی رخ داد. ماجرا از این قرار بود که سارق حرفه‌ای به تنهایی زندگی می‌کرد اما چندی قبل تصمیم گرفت یک همخانه داشته باشد. وی در یکی از سایت‌ها، درخواست همخانه داد و مردی جوان به خانه او رفت. سارق اما عادت عجیبی داشت و در خواب صحبت می‌کرد. همین موجب شد تا همخانه جدید یک شب تا صبح بیدار بماند و با کارآگاه‌بازی دست سارق را رو کند.

تماس با پلیس

همخانه جدید چند روز قبل با پلیس تماس گرفت و گفت: من احتمال می‌دهم به تازگی همخانه یک سارق حرفه‌ای شده‌ام. به‌نظرم او یک خلافکار حرفه‌ای اسـت. او شـب‌ها در خواب صحبت می کرد اما من اهمیتی نمـی‌دادم چون اتاقم با او فرق داشت اما به‌تدریج متوجه رفتارهای عجیب او شدم. وی هر روز با یک کیف پر از طلا به خانه می‌آمد. حتی سـاعت‌هایی که در خانه نبود، اتاقش را گشـتم و دیدم گردنبندهای زیادی دارد. حتی می‌دیدم که تلفنی معامله طلا می کند تا اینکه یک شب تصمیم گرفتم بیدار بمانم و به حرف‌هایش در خواب گوش کنم. نظرم حسابی جلب شد. او درباره سرقت گردنبند و فروش آن به مالخران صحبت می کرد. به همین دلیل احتمال می‌دهم که وی یک سارق سابقه دار است.

دستگیری

پس از این تماس، مأموران وارد عمل شدند و در ادامه تحقیقات خود دریافتند که صاحب خانه مردی به نام شـهروز اسـت. او سارقی سـابقه‌دار بود که پیش از این ۱۶مرتبه به جرم سرقت و زورگیری به زنـدان رفته بود. به این ترتیـب مأموران راهی خانه مجرم سابقه‌دار شـدند و او را دستگیر کردند. در بازرسی از خانه وی، تعداد زیادی گردنبند زنانه به‌دسـت آمد که نشان از سرقتی‌بودن می‌داد. علاوه بر این موتورسیکلتی در پارکینگ خانه وی کشف شد که نشان می‌داد او با همان موتور دست به سرقت‌های سریالی و خشن می‌زند. متهم در بازجویی‌ها گفت: ۶ماه قبل از زندان آزاد شده‌ام و تا دلتان بخواهد سابقه سرقت و زورگیری دارم. از نوجوانی زندان را تجربه کرده‌ام و چند سالی می‌شـود که فقط گردنبندقاپی می کنم. وی ادامه داد: به‌نظرم گردنبندقاپی دردسرش کمتر اسـت. در یک فرصت مناسب به طعمه‌ام نزدیک شـده و گردنبندش را ظرف ۳ثانیه سرقت می کنم و بعد متواری می‌شوم. من دونده خوبی هستم به همین دلیل بعد از سرقت، با سرعت برق و باد فرار می کنم. البته آنطور که شنیدم در بعضی از سرقت‌ها، زنان تعادل‌شان را از دست داده و زمین می‌خوردند. برخی مصدوم و برخـی دیگر هم به‌دلیل مشکلات قلبی در بیمارستان بستری شده‌اند، خب خوش‌شانس بودم که طعمه‌هایم زنده ماندند اما هرگز فکرش را هم نمی کردم که همخانه‌ام مرا لو بدهد. این متهم با قرار قانونی بازداشت شده و تحقیقات تکمیلی از او ادامه دارد.

کلاهبرداران، خانه‌های اجاره‌ای را اجاره می‌دادند

اعضای یک باند کلاهبرداری که پس از اجاره یک یا چندروزه آپارتمان‌ها، آنها را بـه چند نفر اجـاره داده و پس از دریافت ودیعه، فرار می کردند دستگیر شدند. به‌گزارش همشهری، از مدتی قبل پلیس آگاهی تهران با شکایت‌های مشابهی روبه‌رو شد که از کلاهبرداری میلیونی از مستأجران حکایت داشت. بررسی‌ها نشـان می‌داد که اعضای یک باند کلاهبرداری بعد از اجاره یـک یا چنـد روزه آپارتمان‌ها، اقدام بـه درج آگهی اجاره آپارتمـان زیر قیمت منطقه کرده و وقتی مسـتأجران برای دیدن آپارتمان می‌رفتند، با نشـان دادن ملک و مدارک جعلی خود را مالک جا زده و طعمه‌هایشان را فریب می‌دادند. از آنجا که اعضـای این باند مبلغ ودیعـه را از زیر قیمت منطقه اعلام کرده بودند، مسـتأجران برای از دست ندادن آپارتمان، بخشی از این مبلغ را به حسـاب آنها واریز می کردند و آنها نیز پس از دریافت پول‌ها، ملک را تخلیه کـرده و فرار می کردند. با شـکایت ده‌ها شـاکی که از این طریق هدف کلاهبرداری قـرار گرفته بودند، تحقیقات برای شناسـایی و دسـتگیری اعضای باند آغاز و مشـخص شـد که متهمان ۲مـرد و ۲زن هستند که تاکنون با این شـگرد بیش از ۱۰میلیارد تومان از دسـت‌کم ۴۰نفر کلاهبرداری کرده‌اند. به‌گفته سـردار علی ولی‌پور گودرزی، رئیـس پلیس آگاهی تهـران، کارآگاهان پایگاه دهم پلیس آگاهی تهران با بررسـی اظهارات شاکیان و به‌دست آوردن سـرنخ‌هایی از اعضای باند کلاهبرداری موفق شدند هر ۴ متهم را دستگیر کنند که تحقیقات از آنها ادامه دارد.